

انعطاف پذیری احکام شریعت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث نبوی (مبحث عبادات)

بمانعلی دهقان^۱

محسن غلامیان^۲

چکیده

دین اسلام کامل ترین دین الهی است و دارای برنامه ای جامع برای رساندن بشر به سعادت در دنیا و آخرت است. احکام آن در عین آنکه پر نغز و آکنده از حکمت است، از ویژگی انعطاف پذیری و سادگی برخوردارند و بدان گونه نیستند که مکلف را در سختی و تنگنایی قرار دهند. خداوند (تعالی)، هدف از تشریح احکام را آسودگی و راحتی بندگانش ذکر نموده، نه مشقت و سختی آنان. نبی اکرم (ص) نیز، از شریعت اسلامی با عنوان «سمحه و سهله» یاد کرده اند. با این وجود عده ای از دشمنان اسلام، سعی در مخدوش نمودن چهره این آیین بزرگ الهی داشته و با سخت و خشن جلوه دادن احکام آن، شریعت اسلام را دین دست و پاگیری معرفی کرده اند که با مقتضیات زمان و دنیای امروزی همخوانی نداشته و با حقوق بشر در تضاد است.

در این تحقیق کوشش شده با ذکر مصادیق متعددی از احکام عملی که بر، انعطاف پذیری و سادگی احکام شریعت اسلامی دلالت دارند، مثل: تیمم به جای وضو، افطار روزه و شکسته شدن نمازهای چهار رکعتی در حال سفر، وجود قواعدی چون «لا ضرر» و «لا حرج» ضمن تأکید بر انعطاف پذیری احکام دین اسلام، به رد و ابطال شبهات مخالفان پرداخته شود.

کلید واژه ها: انعطاف پذیری، سمحه، سهله، احکام سلامی، فقه امامیه.

طرح مسأله

دین اسلام، آیین «سمحه و سهله» است و احکام و مقرارت وضع شده در این آیین سخت و دشوار نیست. احکام اسلام بسیار دقیق و حساب شده هستند و محتوای آنها، آکنده از حکمت و فرزانه‌گی است. و در عین حال ساده و انعطاف پذیر بوده و چنان نیست که مکلف در سختی و تنگنایی قرار گیرد. متأسفانه عده ای از دشمنان اسلام، سعی در مخدوش نمودن چهره این آیین بزرگ الهی داشته و با سخت و خشن جلوه دادن احکام آن، اسلام را دین دست و پاگیری می دانند که، با مقتضیات زمان و دنیای امروزی همخوانی ندارد.

در این مقاله سعی بر این است تا با ذکر مصادیقی از احکام انعطاف پذیر دین اسلام در بخش عبادات که شامل طهارت، صلاه، زکات و صوم می شود؛ نشان دهیم که دین اسلام بسیار ساده و آسان بوده و احکام موجود در آن شاق و دشوار نیست. مستنداتی از قرآن و سنت و دلیل عقل و بعضی از قواعد مشهور فقهی برای اثبات این مطلب که احکام دین اسلام انعطاف پذیر و ساده هستند موجود است، که با بیان هر کدام از آنها می توان ادعای مخالفان و معاندان اسلام را؛ مبنی بر شاق و دشوار بودن احکام اسلام رد کرده و به این حقیقت که اسلام آیین سمحه و سهله است پی برد.

مستندات قاعده

الف) قرآن

در قرآن کریم نمونه هایی از آیات وجود دارند، که بر وجود انعطاف پذیر بودن و سادگی احکام و رحمت خداوند تعالی بر بنده گان دلالت می کنند، که در زیر به آنها اشاره می شود.

۱- خداوند تعالی در قرآن می فرماید: «ما یریدُ اللهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْكُمْ مِنْ حَرْجٍ». (المائده، ۶).

«خداوند تعالی نمی خواهد در امر دین برای شما سختی و تنگنایی قرار دهد.» این آیه خود به روشنی بیانگر آن است که اسلام نمی خواهد تا مکلف در سختی و تنگنا قرار داشته باشد.

۲- «یریدُ اللهُ بِكُمْ الْیَسْرَ وَ لَا یریدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (البقره، ۱۸۵).

«خداوند تعالی حکم را برای شما آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است.»

۳- «لا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا». (البقره، ۲۳۳).

«هیچ کس به بیشتر از وسع و طاقت خود مکلف نشده است.»

۴- آیه مشهور به آیه تخفیف که می فرماید: «یریدُ اللهُ أَنْ یخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً». (النساء، ۲).

۵- «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یَسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یَسْرًا». (الشرح، ۵ و ۶).

۶- خداوند تعالی دین اسلام را «دین حنیف آسان» خوانده و می فرماید: « وَ أَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. » (یونس، ۱۰۵). «روی به جانب دین حنیف اسلام و آیین توحید آور و هیچگاه هم آیین مشرکان نباش.»

آیات یاد شده بیانگر این مطلب است که، خداوند تعالی در شریعت اسلام احکام شاق و دشوار را قرار نداده و اسلام، دین ساده و آسانی است که احکامش دارای انعطاف است. خداوند (تعالی) آیات قرآن را، به نحوی نازل نموده، که هر فردی به اندازه علم و دانش خودش می تواند از آن استفاده کند، « فَأَيُّمَا سِرْنَا بِلسانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ نُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا » (مریم، ۹۷). « ما حقایق این قرآن را تنها به زبان تو سهل و آسان کردیم تا به آن اهل تقوا را بشارت دهی و معاندان لجوج را بترسانی.»

آیاتی که ذکر شد در اثبات قاعده «لا حرج» هم کاربرد دارند بنابراین، قاعده لا حرج را هم می توان یکی از دلایل موجود بر انعطاف احکام دانست.

ب) سنت و روایات

احادیث و روایات فراوانی بر این مطلب تأکید دارند، که پیامبر (ص) و ائمه (ع) ضمن تأکید بر انعطاف پذیری احکام شریعت اسلام، به سادگی و سهولت دین سفارش کرده اند.

۱- مهم ترین حدیث مستندی که در این رابطه می تواند بیان گردد، حدیث پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: « بعثت بالحنيفة السهلة السمحة » (کلینی، ۴۹۴/۵، علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۲۶۴/۲۲). این حدیث در اکثر کتب فقهی و روایی آمده است از جمله، مرحوم کلینی (متوفی، ۳۲۹ هـ.ق.) نقل می کند: «روزی همسر عثمان بن مظعون نزد رسول الله (ص) آمده و گفت: ای رسول خدا همسرم روزها را روزه می گیرد و شب ها را به نماز و عبادت مشغول است. پیامبر (ص) با حالت خشم نزد عثمان آمده و عرض کردند: « ای عثمان خداوند تعالی مرا با رهبانیت مبعوث نکرده، بلکه مرا به دین حنیف و آسان فرستاده است. من روزه می گیرم، نماز می خوانم و با همسرم آمیزش می کنم، پس هرکس فطرت و دین مرا دوست دارد باید به سنت من پایبند باشد.» (همانجا). در این ماجرا برای ما روشن شد که پیامبر اکرم (ص) چگونه با سخت کردن دین برخورد جدی داشتند و دین و آیین خویش را به « سمحه و سهله » متصف کردند.

۲- حدیث شریف نبوی که به حدیث رفع مشهور است. این حدیث از حیث سند محکم بوده و مورد اطمینان فقها و اصولیون می باشد و در کتب حدیثی شیعه و اهل سنت آمده است. این حدیث با ذکر سلسله سند اینگونه است: « حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار رحمه الله، قال: حدثنا سعد بن عبدالله، عن يعقوب بن يزيد؛ عن حماد بن عيسى، عن حريز بن عبدالله، عن أبي عبدالله (ع)، قال: قال رسول الله (ص): « رفع عن امتي تسعة: الخطأ والنسيان و ما أكرهوا عليه و ما لا يعلمون و ما لا يطيقون و ما اضطروا

إليه و الطيرة و الحسد و التفكر في الوسوسة في الخلق ما لم ينطق بشفتيه» (صدوق، الخصال، ۴۱۷، باب تسعه؛ همو، التوحيد، ۳۵۳).

ترجمه: پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «از امت من نه چیز برداشته شده است: اشتباه و فراموشی و آنچه به آن مجبور شده اند و آنچه نمی دانند و آنچه توانش را ندارند و آنچه به آن ناچار شده اند و فال گرفتن و حسادت و تفکر در وسوسه در خلقت خداوند (تعالی)، تا وقتی که بر دو لب جاری نکرده اند.»

هر کدام از موارد نه گانه ای که در این حدیث آمده اند، دلیل واضحی بر انعطاف احکام هستند. و با توجه به این که در تعارض حدیث رفع با دیگر عناوین اولیه، حدیث رفع حاکم است و با استدلال به حدیث رفع در مواردی که شک در اصل تکلیف بوده و از موارد فقدان نص محسوب می شود، نیازی به احتیاط در شبهات حکمیه تحریمیه و شبهات موضوعیه نیست و در آنها اصل براءة جاری می گردد، بنابراین می توان این حدیث را یکی از موارد مهمی دانست که دلالت بر انعطاف پذیری احکام در دین اسلام داشته و باعث تغییر در حکم اولیه می شود. مثلاً: چنانچه کسی مایعی را بنوشد و بعد معلوم شود که خمر بوده است حدی بر او نبوده و مجازات نمی شود. اینها نشان دهنده انعطاف پذیری و سهولت دین بزرگ اسلام است. (انصاری، ۲/۲۹).

۳- حدیثی که مستند قاعده معروف فقهی «لاضرر» قرار گرفته است و پیامبر اکرم (ص) در آن حدیث فرموده است: «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام.» (کلینی، ج ۵، کتاب المعیشه باب ضرار ح ۲. و: حر عاملی، ۱۷/۳۴۰). این حدیث را پیامبر (ص) در مورد داستان سمره بن جندب ایراد نموده اند که البته به اشکال متفاوتی آن را نقل کرده اند و مشایخ ثلاثه، که تدوین کننده گان کتب اربعه شیعه هستند نیز این داستان را در کتب خویش آورده اند. شیخ کلینی از زراره (متوفی - ۱۵۰هـ.ق.) و ایشان از امام باقر (ع) نقل می کنند: سمره بن جندب، درخت خرمايي در باغ یکی از انصار داشت. سمره بدون اینکه از مرد انصاری برای ورود به منزلش اجازه بگیرد برای سرکشی از درختش وارد منزل او می شد. مرد انصاری از او خواست زمان ورودش، اجازه بگیرد اما او نپذیرفت. مرد انصاری از او نزد رسول خدا (ص) شکایت کرد، پیامبر (ص) از سمره خواست زمان ورودش اجازه بگیرد اما او نپذیرفت. پیامبر (ص) به او گفتند: «از این درخت دست بردار من در ازای آن درختی به تو می دهم»، اما او باز هم نپذیرفت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «در ازای آن درختی در بهشت بگیر» اما او باز هم قبول نکرد. رسول خدا (ص) به او گفتند: «اینک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» و به فرد انصاری گفتند: «إذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار» یعنی برو و آن درخت را بکن و نزد او بینداز، زیرا ضرر و ضرار در اسلام وجود ندارد. (همانجا).

از مطالب فوق معلوم می گردد که در اسلام کسی حق ندارد به دیگری ضرر و آسیبی وارد کند. حتی آنجا که فرد باید از نجاسات و محرمات دوری کند نیز، اگر خوف حفظ جان داشته باشد؛ می تواند مرتکب شود و حق ضرر زدن به اصل جان و سلامتی خویش را ندارد. در واقع در آن زمان حکم حرمت

برای او برداشته می شود و جواز جای آن را می گیرد. کسی نمی تواند از امکانات و اختیاراتی که در مورد ملکش و یا سایر مسائل دارد سوء استفاده نموده و باعث آزار دیگران گردد.

۴ - حدیثی که مستند قاعده «لا حرج» قرار گرفته است. و ثابت می کند که، احکام دین اسلام آسان بوده و دشواری و عسر و حرج در آن راه ندارد. شخصی به نام «عبدالاعلی» به امام صادق (ع) عرضه می دارد: «به زمین افتادم و ناخنم جدا شد، انگشت خود را با پارچه ای بستم حال چگونه وضو بگیرم؟ امام (ع) فرمود: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا فهمیده می شود. خداوند متعال فرموده اند: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» یعنی در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است، پس بر آن پارچه مسح کن. (حر عاملی، ۱/۳۲۷. و: طوسی، ۱/۳۶۳).

ج) عقل

پذیرش احکام و اصول اسلامی بر اساس عقل است و بدون عقل، شناخت دین ممکن نیست. بنابراین، نمی توان پذیرفت که آیینی که پذیرش آن بر اساس عقل است؛ در احکام آن مسائل غیر عقلایی وجود داشته باشد. به همین دلیل است که «تکلیف بما لا یطاق» در احکام و شریعت اسلامی توسط «معتزله» و فقهای مکتب امامیه» مردود است. (کاشف الغطاء، ۳/۳۰۹). و نمی توان گفت؛ شارع حکیم با آن همه درایت و مهربانی که از او سراغ داریم، برای مکلفان خود احکامی را جعل نماید که در حد توان آنها نباشد و از لحاظ عقل قابل تحمل نباشد. در اسلام همه احکام مبتنی بر موازین عقلی و مطابق با فطرت انسان است. اسلام یک مکتب پویا و جهانی است و باید برای تمام نسل های بشر برنامه داشته باشد. بدون شک بعد از رحلت پیامبر (ص) و پس از آن امامان معصوم (ع) و همچنین غیبت امام عصر (عج) نیاز های مردم زیادتر شده و با پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش جمعیت انسانها، نیازهای جدیدی برای جوامع بشری احساس می گردد. این نوع از گسترش، خود موجبات بوجود آمدن مسائل جدیدتری را فراهم می آورد که، در زمان قدیم و عصر ائمه اطهار (ع) مبتلا به، جوامع آن دوران نبوده و حکمی برای این مسائل جدید در کتب قدیمی فقهی و روایات رسیده موجود نیست. در این مواقع عقل است که به عنوان یکی از منابع استخراج احکام ایفای نقش کرده و مشکلات موجود را حل می کند. عقل حکم می کند که در آیین جهان شمولی اسلام باید احکام به نحوی باشد که جوابگوی همه نسل های بشر باشد. از لحاظ عقلی و منطقی دینی که خشک و بی روح باشد و در احکام و مسائلیش انعطافی وجود نداشته باشد، باعث تکراری شدن و خستگی پیروانش گردیده و نمی تواند همگام با جامعه و نیازهای روز آن حرکت کند.

فلسفه انعطاف پذیری و سهولت احکام دین اسلام

افراط و سخت گیری زیاد در اعمال عبادی و سایر دستورات یک دین، باعث سستی افراد در اجرای احکام دین می شود. امام باقر (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هر عبادتی ابتدا با افراط

آغاز و فرجام آن به سستی می گراید. پس هرکس سیره و روش عبادتش بر طبق سنت من باشد، راه صحیح را پیدا می کند و هر کس بر خلاف سنت من عمل کند گمراه شده و عمل او تباہ خواهد شد. سپس می فرمایند: «ای مردم بدانید که من نماز می خوانم، روزه می گیرم و افطار می کنم، می خندم و گریه می کنم؛ پس هر کس از راه و روش من دوری کند از من نیست.» (نقل از طباطبایی، سنن النبى، ۷۶).

خداوند تعالی هیچ کس را بیشتر از توانایی اش به امری تکلیف نمی کند زیرا، اسلام دینی فطری و الهی است و براساس فطرت انسان تنظیم شده است. منظور، فطرت خصوصیت نوع بشر است و عده ای خاص سواى دیگران نیست و آن چیزی مهم است، که مطابق با توانایی و استعداد اغلب افراد جامعه باشد. رمز جاودانه بودن دین اسلام نیز همین فطری بودن آن است. (همانجا).

در امر تبلیغ برای دین و عمل به آن، باید اصل سهولت و سادگی مد نظر قرار بگیرد تا افراد به دین جذب گردند. پیامبر(ص) هنگامی که معاذبن جبل را به یمن برای تبلیغ دین فرستادند، این موارد را به ایشان گوشزد کرده و فرمود: «یا معاذ، بشر و لا تنفر، یسر و لا تعسر» (بخاری، ۲۰۴/۵). برای تبلیغ اسلام می روی اساس کارت بشارت و مژده و ترغیب باشد. کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام روی آورند. نکته ای که پیامبر (ص) اشاره کردند این بود که، «بشر و لا تنفر» کاری نکن که مردم را از اسلام فراری دهی و متنفر کنی. مطلب را طوری تقریر نکن که عکس العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد. (مطهری، ۱۸۴). روح انسان فوق العاده لطیف و حساس است و زود عکس العمل نشان می دهد. اگر انسان در انجام یک کاری به خودش فشار بیاورد، عکس العملی که روح انسان ایجاد می کند، گریز و فرار است. مثلاً در عبادت پیامبر (ص) توصیه می کنند که، عبادت را آنقدر انجام دهید که روحتان نشاط عبادت را داشته باشد، یعنی با میل و رغبت انجام دهید. (ابن هشام، ۲۳۷/۴). پیامبر (ص) به جابر فرمودند: «ای جابر دین اسلام، دین با متانتی است، با خودت با مدارا رفتار کن. بعد می فرمایند، کسانی که فکر می کنند با فشار آوردن و سخت گیری به خودشان زودتر به مقصد می رسند اشتباه می کنند و اصلاً به مقصد نمی رسند.» (کلینی، ۸۶/۲)

«عبادات» جمع عبادت است، علما این اسم را بر هر عملی که خداوند تعالی دوست دارد و باعث رضای او می شود در کتاب های خود اطلاق کرده اند. انعطاف و سهولت احکام اسلام در بخش عبادات بیش از سایر بخش های فقهی است. این مسأله یک ادعای بدیهی بوده و ادعای بدون دلیل نیست. زیرا، عبادت رابطه ای بین مخلوق با خالق رحمان و رحیم خویش است و این رابطه و خواسته پروردگار از بنده خویش بر اساس تسامح و عدم حرج و سختی بر مکلف است. (عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن علی الربیع، ۴۷).

۱- طهارت

«طهارت» در لغت به معنی پاکی و پاکیزگی است. (طریحی، ۳۸۱/۳). و شرعاً یعنی بکار بردن «طهور» که همان آب و خاک است، مشروط به نیت کردن. در فقه به «وضو، تیمم و غسل» طهارت گفته می شود. (

شهید اول، ۱۵-۱۶). اگر در این باب فقهی دقیق شویم مواردی از انعطاف احکام را در آن می یابیم، که در ذیل به صورت موردی به آن اشاره می کنیم:

۱-۱- نجاست بخشوده شده

در اسلام برای انجام نماز، ورود به اماکن مقدسه و یا دست زدن به متن قرآن باید وضو گرفت و بدن را از نجاسات پاک نمود. روایات زیادی در مورد ازاله نجاست وجود دارد، ما برای نمونه روایتی را نقل می کنیم. علی بن محمد از سهل بن زیاد، از احمد بن محمد... از ابی عبدالله (ع) نقل می کند، « مردی مقداری از ادرارش با بدنش برخورد کرده است و می خواهد نماز بخواند در حالی که آن قسمت را نشسته است؟ امام (ع) فرمود: آن قسمت را بشوید و بعد برای نماز آماده شود.» (حر عاملی، ۳/۴۲۹. و: طوسی، التهذیب، ۱/۲۶۸. و: همو، استبصار، ۱/۱۸۱). این روایت بیانگر این مطلب است که فرد باید برای بجا آوردن نماز، بدن خویش را از نجاست پاک کند و با بدنی پاکیزه به نماز بایستد. در این تحقیق می خواهیم بیان کنیم، که در اسلام و مذهب «امامیه» در مورد احکام مربوط به ازاله نجاست و طهارت سختی در کار نیست و اسلام بر مکلف سخت نگرفته است. به همین منظور مواردی را که به نظر ما می تواند مصداق انعطاف پذیری احکام دین در این مورد باشد را بیان می کنیم تا نشان دهیم که دین اسلام، برای پیروانش احکام شاق و دشوار قرار نداده است.

الف : خون زخم و دمل به شرط جریان آن به طور مداوم یا به گونه ای که مدت انقطاع آن کمتر از مقدار نماز خواندن باشد بخشیده شده است. همچنین خونی که کمتر از درهم بغلی (یک ریالی) باشد در صورتی که غیر از خون های سه گانه «حیض، نفاس و استحاضه» باشد، نادیده گرفته شده است و خللی به نماز خواندن مکلف وارد نمی سازد. (شهید اول، ۱۶. و: طوسی، النهایه، ۵۱). علی بن الحکم از زیاد بن ابی الحلال از عبدالله بن ابی یعفر، روایت می کند: « به ابی عبدالله (ع) گفتم در مورد مردی که قسمتی از لباسش با خون برخورد کرده است و خودش اطلاع ندارد، بعداً اطلاع پیدا می کند و فراموش می کند که آن قسمت را بشوید و نماز می خواند و بعد از خواندن نماز به یادش می آید، آیا نمازش را دو باره بخواند؟ امام (ع) فرمودند: آن قسمت را بشوید و نماز را اعاده نکند، مگر این که مقدار خون یک درهم باشد. اگر به اندازه یک درهم شد بشوید و نماز را دوباره بخواند.» (حر عاملی، ۳/۴۳۰). ازاله نجاست یکی از مثال ها و مصادیق زنده و پویایی است که همه افراد روزانه با آن سر و کار دارند.

ب خداوند سبحان در شستن پیراهن نجس شده بر مکلفین ساده گرفته است. در این مورد به ازاله عین نجاست و دوبار شستن لباسی که نجس شده و آب ریختن و فشردن اکتفا شده است. (شهید اول، ۱۶). همچنین جامه کسی که پرستار بچه است اگر روزی یک بار در آخر روز آن را بشوید کفایت می کند. (همانجا، ۲۵). شاید برای بعضی افراد، این امر یک مسأله پیش پا افتاده باشد و زیاد در خور توجه نباشد؛ اما

اگر این امر را در اسلام با سایر مکاتب الهی مثل بنی اسرائیل مقایسه کنیم، در می یابیم که قوم بنی اسرائیل اگر جایی نجس می شد باید آن محل را از سایر قسمت های لباس جدا می کردند. (عبدالعزیز بن عبد الرحمن الربیعہ، ۴۷). بنابراین معلوم می گردد که احکام دین یهود خیلی سنگین تر از احکام دین اسلام بوده است و شریعت اسلام، خیلی به پیروان خود ساده تر گرفته است.

۲-۱- وضوی جبیره ای

گرفتن وضو برای خواندن نماز به عنوان مقدمه واجب، ضروری است و نماز بدون وضو عبادت محسوب نمی شود. اما گاهی اوقات ممکن است، عضوی از اعضای وضوی فرد مکلف، دچار زخم و جراحتی بشود، در اینجا دین چهره انعطاف پذیری خود را نشان داده و به مکلف اجازه می دهد که به نحو «جبیره ای» وضو بگیرد. (حلی، ابن ادریس، ۱۰۲/۱). یعنی قسمتی را که زخم شده، اگر امکان دارد بر روی آن دست بکشد و اگر این کار هم برایش ضرر داشته باشد، اجازه داده که بوسیله پارچه ای تمیز، بسته شود و بعد، بر روی آن دست بکشد و اینگونه خود را برای نماز و سایر اعمال عبادی که نیاز به وضو دارند آماده سازد. (شیخ طوسی، ۱۶).

۳-۱- تیمم به جای وضو و خواندن نماز در قسمتی از قسمت های زمین

در ادیان سابق تقرب به وسیله نماز، بدون تطهیر نمودن با آب امکان نداشت. و نیز، شرط بود که نماز یا آن عمل عبادی در مکان خاصی خوانده شود. اما وقتی دین مبین اسلام ظهور کرد سادگی و سهولت و در نظر گرفتن حال مکلف در آن باعث شد تا این حکم مشکل با انعطاف پذیری بیشتر بر مکلفان واجب باشد. (عبدالعزیز بن عبد الرحمن الربیعہ، ۴۹). اسلام به مکلفین امر نمود که برای خواندن نماز وضو بگیرند، اما مراعات حال افرادی که این کار برایشان میسر نبود را نیز کرده و به آنها اجازه داد، که در صورت وجود یکسری شرایط خاص، به جای وضو تیمم بگیرند. همانطور که به او اجازه داده در هر قسمتی از زمین که خواست رو به قبله نمازش را بجا آورد. خداوند تعالی می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. » (المائدة، ۶).

بنابر آنچه در این آیه شریفه ذکر شده و در کتب معتبره فقهی آمده است، اگر برای مکلف مشکلی پیش بیاید که نتواند وضو بگیرد از قبیل: ۱- نبودن آب، به اینکه با وجود جستجو به ترتیبی که معتبر است آب یافت نشود. ۲- عدم امکان استفاده از آب، بخاطر اینکه مکلف مریض است، یا بخاطر ضعف و پیری به آب دسترسی ندارد یا بخاطر مریضی و ترس از سرمای غیر قابل تحمل و ترس از مریضی نمی تواند آب را استعمال کند، در همه این موارد فرد مکلف باید تیمم بگیرد. اسلام حتی در بعضی مواقع که خوف و ترس

برای فرد مکلف وجود دارد و فرد می خواهد وضو بگیرد اجازه مسح کردن پاها از روی کفش و عمامه را به علت اضطرار یا تقيه، نیز داده است. (محقق حلی ۱۳/۱). در صحیحین از جابر بن عبد الله آمده است که: رسول خدا (ص) فرموده است: «أعطيت خمساً لم يعطهن احد قبلي... و جعلت لي الارض مسجداً و طهوراً...» (مسلم، ۶۳/۱). «خداوند پنج چیز را به من عطا کرده است که به (شریعت های) قبل از من عطا ننموده است: ..و زمین را برای من سجده گاه و پاک قرار داد...» همچنین در صحیح مسلم از «حذیفه بن یمان» نقل شده؛ که رسول خدا (ص) فرموده است: «فضلنا على الناس بثلاث: جعلت صفوفنا كصفوف الملائكة، و جعلت لنا الارض كلها مسجداً، و جعلت تربتها لنا طهوراً إذا لم نجد الماء» (همانجا). اما اسلام در این مورد فقط به همین مقدار از انعطاف بسنده نکرده است بلکه حتی در امر تیمم هم سادگی خود را نشان داده است و به یک بار زدن دست ها بر زمین و کشیدن آنها به صورت و پشت دو دست اکتفا کرده است، و نیازی به دو یا سه بار زدن دست بر زمین یا کشیدن دستان به سایر اعضای بدن نیست. در صحیحین از عمار بن یاسر آمده است که: «أجبت فلم أصب الماء، فتمعكت في الصعيد، و صليت، فذكرت ذلك النبي (ص) فقال: «انما يكفيك هكذا، و ضرب النبي بكفيه الارض و نفخ فيهما، ثم مسح بهما وجهه و كفيه.» (همانجا، ۱۹۱/۱). «جنب شدم و آبی برای وضو نیافتم، پس در خاک غلطیدم و نماز خواندم و موضوع را به پیامبر (ص) گفتم، ایشان فرمود، برای تو کفایت می کند که اینچنین (عمل) کنی، و سپس دستان خویش را بر زمین زده و بر آنها فوت کردند (تا گرد و خاک آن برود) و به وسیله آن صورت و دو دست خویش را مسح کردند.» با توجه به آیه و احادیث ذکر شده برای ما روشن می شود که شارع مقدس چقدر نکته سنج و دقیق عمل کرده است و برای مکلفان راه فرار از مشکلات و سختی ها را نشان داده و راه را برایشان باز گذاشته است.

۲- نماز

خداوند تعالی می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.» (النساء، ۱۰۳). در این امر عبادی نیز مواردی از انعطاف و سهولت احکام دین وجود دارد که به بیان آنها می پردازیم.

۲-۱- قاعده تجاوز و فراغ در نماز

نماز یک عمل عبادی است که تشکیل شده از چند رکن و جزء مستقل است که با یکدیگر نماز را بوجود می آورند. روایات زیادی بر این مسأله دلالت دارند که اگر مکلف در بجا آوردن یکی از اجزاء نماز مثل، نیت، رکوع و دیگر بخش های نماز شک کند، در حالی که از محل آن گذشته و وارد قسمت دیگری از نماز شده باشد، نیاز به اعاده ندارد و نباید به شک خود اعتنا کند. (محقق حلی، ۸۸/۱. و: ابن ادریس، ۲۴۹/۱). این حکم بخاطر جریان قاعده تجاوز و فراغ در نماز است، که به خوبی نشانگر انعطاف دین در

امر نماز خواندن است. جعل این چنین قاعده ای در نماز به خاطر این است که، مکلف به مشقت و سختی نیافتد. «فراغ» زمانی است که فرد کل عمل را انجام داده و وارد کار دیگری شده است و «تجاوز» مربوط به جایی است که فرد از محل یکی از اجزاء نماز گذشته و وارد جزء دیگر شده است. (بجنوردی، ۳۲۹/۱). چند مورد از روایات مربوط به این قاعده را ذکر می کنیم تا سهولت دین و احکامش روشن تر شود.

۱- صحیح زراره که می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: «مردی در مورد اذان شک می کند در حالی که وارد اقامه شده است.» امام (ع) فرمود: «ادامه بدهد.» سؤال کردم مردی در تکبیر شک می کند در حالی که حمد و سوره را خوانده است.» فرمود: «ادامه بدهد.»... سپس امام (ع) فرمودند: «هرگاه از کاری خارج شدی و، وارد کار دیگری شدی شک تو اثری ندارد.» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۵۳/۲).

۲- صحیح اسماعیل بن جابر از امام (ع) که فرمود: «اگر بعد از سجده در، رکوع شک کند، باید به نمازش ادامه بدهد و اگر بعد از آنکه برخاست در سجده شک کند باید به نماز ادامه بدهد. هرچیزی که در آن شک شود و محل آن گذشته و وارد عمل دیگری شده باشد، باید به عمل خود ادامه بدهد.» (همانجا).

۲-۲- اثر نداشتن شک کثیرالشک

فقها در مورد فردی که زیاد در نماز خود شک می کند اظهار داشته اند که باید به نماز خود ادامه داده و به شک خود اعتنا نکند. (محقق حلی، ۹۰/۱ و ابن ادریس، السرائر، ۱/۲۴). البته عده ای از فقها گفته اند که فرد مخیر است بین اینکه به شک خود اعتنا نکند و به نمازش ادامه بدهد و یا اینکه به شک اعتنا کرده به مقتضای آن عمل کند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۴/۳). صاحب جواهر (متوفی -۱۲۶) در «جواهر الکلام» از قول «محقق ثانی» (متوفی -۹۴۰) این تخییر را حکایت می کند. (نجفی، ۴۱۷/۱۲). شهید اول (۷۳۴-۷۸۶) نیز، در کتاب «الذکری» این تخییر را بیان داشته و گفته اند: «فرد می تواند به شک خود اعتنا نکند و نیز می تواند مطابق شک خود عمل کند و دوباره آن را بجا بیاورد.» (شهید اول، ۲۲۳).

۳-۳- نماز مسافر :

در زمان مسافرت، نمازهای چهار رکعتی تبدیل به دو رکعت می شوند و نوافل نمازهای هم عرض با نمازهای چهار رکعتی ساقط می گردد. (شیخ اصفهانی، ۱۵۳). خداوند تعالی می فرماید: « هنگامی که در سفر باشید باکی برای شما نیست که نماز را کوتاه بجا آورید (چهار رکعت را دو رکعت کنید) هرگاه بیم آن داشته باشید که کافران شما را به رنج و هلاکت اندازند که دشمنی کفار نسبت به شما (مسلمین) کاملاً آشکار است.» (النساء، ۱۰۱).

اما اسلام در مورد مسافر فقط به این موارد بسنده نکرده است و از این هم آسانتر گرفته است. جواز جمع بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء یکی دیگر از مواردی است که روح انعطاف و مهربانی دین را

نشان می دهد. ممکن است توقف زیادی برای بجا آوردن نماز و سایر اعمال عبادی باعث تأخیر و ضرر فرد بشود، بخصوص در زمان گذشته که انسان پیشرفت زیادی نکرده بود و مریضی، خطرات راه مثل حمله حیوانات وحشی یا دزدان بیشتر آنها را تهدید می کرد. (عبد العزیز بن عبد الرحمن، ۵۲). مسلم (متوفی ۲۶۱ هـ.ق.) از معاذبن جبل آورده است: «خرجنا مع رسول الله (ص) فی غزوة تبوک، فکان یصلی الظهر و العصر جمعاً و المغرب و العشاء جمعاً». (مسلم، ۱۵۰/۲). همه این موارد نشانگر آن است که اسلام با نیازهای روز مردم جامعه و با حالات متفاوت پیروان خود تطابق دارد.

۳- زکات

زکات در لغت به معنای رشد و نمو، پاک و پاکیزه می باشد. (ابن منظور، ۳۹۴/۵. و: ابن اثیر، ۳۰۷/۲). آنچه که علما در کتب خویش در تعریف زکات آورده اند، عبارت است از: «حق واجب در مال خاص است برای عده ای مخصوص در زمان مخصوص» (انصاری، کتاب الزکاة، ص ۳). محقق حلی (متوفی ۶۷۶ هـ.ق.) در کتاب «المعتبر» در تعریف زکات می نویسد: «زکات در لغت به معنای زیادی، نمو و پاکیزگی است و در شرع اسمی است برای حقی که در مال است و در وجوب آن نصاب معتبر است. اسم زکات برای این است که ثواب را زیاد می کند و بوسیله آن مال از حق مساکین و موجبات اثم و گناه پاک می شود.» (محقق حلی، ۴۵۸/۲). دادن زکات باعث می شود مال انسان تزکیه شود و خداوند (تعالی) به اموال انسان برکات عنایت کند. آنچه آنکه از پیامبر (ص) روایت شده است: «ما نقصت صدقة من مال فأعطوا و لا تجبنوا.» (نوری، ۱۵۳/۷). زکات معنای طهارت را نیز در بر دارد. طهارت از اشتغال ذمه با اداء حق فقراء از مال. زکات فطریه نیز به معنای زکات بدن است. خداوند تعالی می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۲۶۱). احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ.ق.) از پیامبر (ص) نقل می کند: «مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَضَاعَفَ سَبْعُمِائَةً ضِعْفًا» (ابن حنبل، ۴ / ۳۴۵). هرکس در راه خدا اتفاق کند هفتصد برابر پاداش می بیند.»

۳-۱- آنچه زکات در آن واجب است

زکات مال در «نه» چیز واجب است: الف) شتر، گاو، گوسفند. ب) طلا و نقره. ج) گندم، جو، کشمش، خرما. (طوسی، رسائل العشر، ۱۹۷). در حدیث آمده است علی بن ابراهیم،... عن ابی جعفر و ابی عبدالله (علیهما السلام)، قال: «فرض الله الزکاة مع الصلاة فی الاموال و سنها رسول الله (ص) فی تسعة أشياء - و عفا رسول الله عما سواهن - فی الذهب و الفضة و الابل و البقر و الغنم و الحنطة و الشعیر و التمر و الزبيب و عفا عما سوی ذلك» (کلینی، ۵۰۸/۳). خداوند زکات (در اموال) را همانند نماز واجب نمود و رسول الله (ص) آن را در نه مورد سنت قرار داد و در مابقی اشیاء (اموال) آن را بخشید. در طلا و نقره و شتر و گاو و

گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش. و در مابقی آن را بخشید.» آنچه‌ان که در حدیث ذکر شده آمده است، منحصر شدن وجوب زکات در همین «نه» مورد و واجب نبودن زکات در سایر اموال، خود عفو و رحمتی است از طرف شارع برای مکلفین، که خود نوعی انعطاف و سهولت در دین را جلوه گر می باشد.

۳-۲- مصادیق انعطاف پذیری احکام در بخش زکات

۱- وجود شرایط معتبر در مکلف برای وجوب زکات بر او، مصداق انعطاف پذیری احکام و مصلحت اندیشی اسلام است. اینگونه نیست که بر هر مکلفی و در هر شرایطی زکات واجب باشد. بلکه، ضابطه و معیارهای خاصی وجود دارد که فرد با دارا بودن آنها، مکلف به پرداخت زکات می شود. این شرایط عبارتند از:

الف) بالغ بودن: بنا براین بر کودک زکات واجب نیست و وظیفه ای نسبت به پرداخت زکات ندارد. همه فقهای امامیه بر این مسأله اتفاق نظر دارند. (محقق حلی، المعتمد، ۲/۴۸۶). در اموالی که سپری شدن سال مهم است فرد باید در تمام سال و از ابتدا بالغ باشد و در غلات چهار گانه قبل از زمان تعلق گرفتن زکات به آنها باید فرد بالغ باشد تا زکات بر او واجب شود. (خویی، کتاب زکات ۱۶).

ب) عاقل بودن: بر فردی که مجنون و دیوانه است زکات واجب نیست. (سید طباطبایی، ۷/۹). «رفع القلم عن الصبی حتی یبلغ و عن المجنون حتی یفیک» (حر عاملی، ۱/۳۲).

ج) آزاد بودن: بنابراین بر بنده با تمامی اقسامش زکات واجب نیست.

د) مالک بودن فرد و تمامی مالکیت او نسبت به اموال: قبل از این که فرد مالک مال بشود و مالکیت او نسبت به مال تحقق پیدا کند زکات بر او واجب نیست. مانند: مال موهوبه قبل از قبض. این شرط مورد قبول همه فقها است. و «محق حلی» در «المعتبر» اجماع و اتفاق علما را بر این شرط مدعی شده است. (سید طباطبایی، ۷/۹). فردی که زکات بر او واجب می شود باید نسبت به اموالی که زکات در آنها واجب است مالکیت تمام داشته باشد. یعنی، نسبت به تصرف در اموال به حکم شرع محجور نباشد و یا مثلاً: اموال او، از او غصب نشده باشد و دسترسی به آنها داشته باشد. مثلاً: فردی که مال خود را به رهن گذاشته و حتی با فروش عین مرهونه هم نمی تواند آن را آزاد کند تکلیفی نسبت به پرداخت زکات آن ندارد. (محقق کرکی، ۵/۳). در مکاتبه ابن مهزیار با ابی عبدالله (ع) آمده است: «لا تجب علیه الزکاء الا فی ماله» (حر عاملی، باب ۹ از ابواب من تجب علیه الزکاء، ح ۲).

۲- به حد نصاب رسیدن اموالی که در آنها زکات واجب است. اموالی که زکات در آنها واجب است باید به حد نصاب معتبر برسند تا زکات در آنها واجب بشود. وجود این شرط خود مصداقی بر انعطاف احکام در بخش زکات است.

۳- سائمه بودن حیوانات، چهارگانه که زکات در آنها واجب است در حد نصاب، خود مصداق دیگری بر انعطاف احکام در بخش زکات است.

۴- کسر مؤنه، از طرف مالک و حساب کردن حد نصاب بعد از کسر «مؤنه» مصداقی دیگر از انعطاف و سهولت احکام باب زکات است؛ که به نفع مالک بوده و بیانگر این مطلب است که، اسلام انصاف را برای همه کس رعایت کرده و نمی خواهد کسی متضرر شود. (محقق حلی، مختصر النافع، ۵۷).

۵- پرداخت زکات پس از خارج کردن سهمیه سلطان. مکلف بعد از آنکه مخارج «مؤنه» و سهمیه سلطان را کسر کرد، آن وقت اگر به حد نصاب رسید باید زکات را پرداخت نماید. این موضوع آنچه آنچنان که شیخ انصاری در کتاب زکات خود بیان نموده ظاهراً مخالفی در بین فقها ندارد. و صاحبان کتابهای الرياض، المنتهی، المعتمر و الخلاف به این مورد اشاره نموده اند. (انصاری، ۱۰).

۴- روزه

اگر چه ماهیت روزه امری نسبتاً سخت است ولی در این تکلیف الهی نیز مواردی از سهولت و گذشت وجود دارد که به آن اشاره می کنیم.

۴-۱- شرایط وجوب روزه

الف- کامل بودن از نظر بلوغ و عقل: کسی که به سن بلوغ نرسیده و کسی که از نظر عقلی سالم نبوده و مجنون است تکلیفی برای گرفتن روزه ندارد. فردی که بیهوش است نیز روزه بر او واجب نیست اما شخصی که مست است از جهت وجوب روزه حکم شخص عاقل را دارد اما از جهت صحت، روزه او باطل است. (طباطبایی، ریاض المسائل، ۱/۳۲۱). شرط بودن عقل و بلوغ در امر روزه و سایر عبادات نشانگر انعطاف احکام دین بوده و این افراد بنا بر اصل براءت تکلیفی ندارند.

ب- خالی بودن از حیض و نفاس: بنابراین بر مکلفی که در ایام حیض و نفاس قرار دارد روزه واجب نیست و تکلیفی نسبت به گرفتن روزه ندارند. و باید بعداً قضای آن را بجا بیاورند. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱/۲۹۳).

ج- در حال سفری که باعث شکسته شدن نماز است نباشد: بر مسافری که از حد ترخص عبور کرده و نمازش شکسته است روزه واجب نیست. معیار افطار روزه شکسته شدن نماز است. یعنی هر جا که نماز شکسته است روزه هم واجب نیست. مگر اینکه قصد ده روز بکند و یا سی روز را به حالت تردید سپری کرده باشد و یا فرد کثیر السفر باشد، که در این صورت، هم نمازش را باید کامل بجا بیاورد و هم باید روزه بگیرد. البته کسی که در سفر است نباید سفرش سفر معصیت و برای انجام کار حرام باشد چون در این صورت، هم باید نمازش را کامل بخواند و هم باید روزه بگیرد. (شیخ طوسی، رسائل العشر، ۲۱۴).

۲-۴- مصادیق انعطاف پذیری احکام روزه

الف) ایامی که باید روزه بگیریم نسبت به سایر ایام سال خیلی محدود است. خداوند تعالی می فرماید: «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ» (بقره، ۱۸۴). یعنی «روزهای مشخص و معینی که همان یک ماه است را باید روزه گرفت» و یازده ماه دیگر خوردن و آشامیدن مانعی ندارد. بنابراین غیر از ماه رمضان، روزه نذر و روزه قضای ماه رمضان، اگر کسی روز دیگری را واجب بداند از تعالیم اسلامی به دور است. علت این کار این است که ممکن است به تدریج مسلمانان بخواهند برای ثواب بیشتر روزهای وجوب روزه را زیاد کرده و باعث مشقت و سختی خود و دیگران شوند. (عبدالعزیز بن عبدالرحمن، همو، ۶۴).

ب) در اوایل اسلام برای انسان روزه دار در طول ماه رمضان مباشرت با زنان جایز نبود و افراد دچار مشقت می شدند. اما خداوند تعالی این حکم سخت را از آنها برداشت و مباشرت با زنان را در شبهای ماه رمضان مباح ساخت. «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا...» (البقره، ۱۸۷). معین نمودن وقت افطار و تشویق افراد روزه دار به افطار کردن، یکی دیگر از نشانه های سادگی دین است، که در آن خیر و نیکی برای روزه دار نهفته است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «لا يزال الناس بخير ما عجلوا الفطر». «مردم آسیبی نمی بینند زمانی که زود افطار کنند.» (بخاری، ۲/۲۴۱). ابی هریره از پیامبر اکرم (ص) روایت می کند: «يقول الله عز و جل: إن أحب عبادي إلي أعجلهم فطراً.» (ترمذی، ۲۰۱۰۳. و: طبرانی، ۵۴). ج) بر فردی که بیمار است و نمی تواند روزه بگیرد روزه واجب نیست. شخصی که بیمار است باید روزه خویش را افطار کند و در سایر ایام سال قضای روزه را در صورت بهبودی از بیماری بجا آورد. حال اگر بهبود یافت و روزه اش را قضا نکرد و بعد نیز فرصت نیافت و مرد، یا قبل از اینکه خوب شود در همان مرض خود فوت کرد، پسر بزرگترش باید قضای آن را بجا آورد. دین اسلام به همین بسنده نکرده است و به فرد بیمار اجازه داده است که در صورتی که تا رمضان سال آینده از بیماری بهبود پیدا نکند و نتواند به هر دلیل موجهی قضای روزه فوت شده در زمان بیماری خویش را به جا آورد، به جای هر روزی که قضا شده است یک مد طعام را بعنوان کفاره و فدیة پردازد. (علامه حلی، تبصرة المتعلمين، ۸۳).

خداوند می فرماید: «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.» (البقره، ۱۸۴). وجود پرداخت فدیة به افراد مستحق خود راهی برای کمک به افراد نیازمند است و این یعنی اسلام حتی در آسانترین احکام هم حکمت قرار داده است و احکام بدون حکمت و دلیل وضع نشده اند. این مسائل کامل بودن دین اسلام را بر ما آشکار می کند.

د) پیر مرد و پیر زنی که قادر به گرفتن روزه نیستند و یا اگر بخواهند روزه بگیرند باعث مشقت زیادی آنهاست، از گرفتن روزه معاف هستند. این دسته از افراد هم، فدیة می پردازند و قضایی به گردن ندارند چون توانی برای گرفتن روزه ندارند و هر روز که بگذرد پیرتر و ضعیف تر می شوند. کسی که بیماری استسقا دارد و نمی تواند روزه بگیرد و امیدی به بهبودی او نیست، حکم پیر مرد و پیر زن را داشته، وظیفه ای برای گرفتن روزه ندارد و باید کفاره بدهد. (همو، تبصرة المتعلمین، ۸۳).

ه) زنی که بار دار است و وضع حمل او نزدیک می باشد و زنی که بچه شیر خوار دارد و خوف این است که اگر بخواهد روزه بگیرد به کودک صدمه وارد می شود، از گرفتن روزه معاف بوده و باید به ازای هر روز یک مد طعام فدیة پرداخت کنند تا زمانی که عذر آنها برطرف شود و قضای روزه فوت شده را بجا آورند. (همانجا).

و) روزه فرد مسافر: فردی که مسافر است وظیفه ای نسبت به گرفتن روزه ندارد مگر اینکه نذر کرده باشد و سفر قید نذرش باشد. سفری که باعث افطار روزه می شود سه شرط دارد.

۱) سفرش سفر معصیت نباشد. بنابراین کسی که برای انجام کارهای حرام یا خروج بر امام و دزدی و سایر کارهای حرام خارج می شود عذری ندارد.

۲) از حد ترخص گذشته باشد.

۳) مسافرتش بیشتر از حضورش در وطنش نباشد. (کثیر السفر نباشد)

در صورت وجود این شرایط مسافر نباید روزه بگیرد و نمازش شکسته می شود. (طوسی، الرسائل العشر، ۲۲۱).

خداوند (تعالی) می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (البقره، ۱۸۵).

آنچنان که در آیه شریفه آمده است، فردی که مریض یا مسافر است و یا هر عذر شرعی دارد و نمی تواند روزه بگیرد باید از دیگر ایام سال قضای آن را به جا آورد. اما آنچه که قابل توجه است این است که خداوند تعالی روز و ماه مشخصی را برای قضای روزه فوت شده قرار نداده است و مکلف را در وسعت قرار داده است که هر وقت خواست در مابقی ایام سال قبل از رسیدن رمضان آینده آن را چه به صورت پشت سرهم و چه به صورت تفریق قضا کند.

ز) تخییری بودن کفاره ماه رمضان. در صورت قضا شدن روزه و یا افطار آن، بر فرد مکلف کفاره واجب می شود. وجود خود کفاره یکی از مصادیق انعطاف اسلام است. اما آنچه که در بحث کفاره ماه رمضان شایان ذکر است، تخییری بودن آن است که به راحتی می تواند روح سادگی و مهربانی دین را به نمایش بگذارد.

مقادیر کفارات ماه رمضان به این شکل است: آزاد کردن بنده یا دو ماه، روزه پشت سرهم و یا غذا دادن به شصت مسکین. (علامه حلی، قواعد الأحكام، ۱/۳۷۸)، فردی که کفاره به گردن دارد هرکدام از این موارد را که خواسته باشد می تواند به جا بیاورد. دین فرد مکلف را دروسعت گذاشته است تا هر امری برای او ساده تر و به حال او مناسب تر است را انجام دهد؛ این نظر اکثر فقها از جمله شهید ثانی (متوفی ۹۶۶) است. عده ای از فقها هم نظر بر ترتیب کفارات دارند. البته باید این را دانست که همانگونه که دین برای مکلفین صاحب عذر از خود انعطاف نشان داده است، برای افرادی که قصد سوء استفاده و نا شکری و مخالفت را دارند سخت گرفته است و کسی که تعمداً و با امر حرام روزه را افطار کند باید هر سه کفاره را با هم بپردازد. (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ۲/۲۳).

ح) باطل نشدن روزه بوسیله مفطرات در صورت سهوی بودن. اگر فردی که روزه دارد چه روزه واجب و چه مستحب از روی فراموشی چیزی بخورد یا هر یک از مفطرات روزه را انجام دهد هرچند زیاد باشد روزه او باطل نمی شود و همان روز را امساک کرده نیازی به قضا ندارد. (همانجا، ۱۵).
با توجه به آنچه ذکر شد ثابت می شود که احکام دین اسلام در نهایت سادگی و انعطاف پذیری است. اسلام برای هر زمان و مکانی برنامه دارد و با مقتضیات زمان و مکان همراه بوده و می تواند در هر دوره ای از تاریخ بشر راهگشای جوامع انسانی باشد. با وجود این همه انعطاف در دین اسلام، دیگر سخن از سخت بودن و دشواری دین اسلام، سخنی بی اساس بوده و فقط برای رهایی از تکالیف است که دین ستیزان آن را بهانه قرار می دهند.

نتایج مقاله

اسلام شریعت پویا و کاملی است که برای همه بشریت نازل گشته و احکام آن به زمان و مکان و افراد خاصی محدود نمی شود. در این آیین هر انسانی به اندازه توان و طاقتش به قوانین و احکام عبادی موجود در شریعت مکلف است. و شارع مقدس چیزی فراتر از حد طاقت و توان مکلف از او نخواسته است. قال الله تعالی: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا». (البقره، ۲۳۳). دین اسلام دین حنیف و مهربانی است که، برای هر مکلفی در هر زمانی، احکام خاص خودش را دارد و با فطرت انسان سازگار بوده و اصالتاً دینی فطری است. و راز ماندگاری این آیین مقدس نیز، در همین فطری بودن آن است. در اسلام احکام شاق و دشوار که مکلف را به دردسر انداخته و او را در تنگنایی و مضیقه قرار دهد وجود ندارد. خداوند سبحان می فرماید: «مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ». (المائده، ۶). پیامبر اسلام (ص) نیز آیین خود را به «سمحه و سهله» بودن متصف کرده و وجود عسر و حرج و تنگنایی و سختی را در این شریعت مقدس نفی نموده اند. آنجا که می فرماید: «بَعَثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ» (کلینی، ۴۹۴/۵. و: مجلسی، ۲۲/۲۶۴). «خداوند تعالی مرا با رهبانیت مبعوث نکرده است بلکه؛ مرا به دین حنیف و آسان فرستاده است.»

مصادیق زیادی در بین احکام عبادی اسلام وجود دارند که دلالت بر انعطاف پذیری احکام دارند و سختی و ضرر را نفی می کنند. وجود قواعدی چون «لا ضرر» و «لا حرج»، همچنین وجود تخییری کفارات، و عوض شدن حکم اولیه بعضی از موضوعات و احکام در زمان «اضطرار و اکراه» مکلف، و خیلی از مسائل دیگر موجود در فقه، همگی نشانگر انعطاف پذیری و سهولت و رأفت این آیین مقدس است. و خشونت، شاق و دشوار بودن احکام اسلام که توسط دین ستیزان و دشمنان اسلام مطرح گردیده باطل و بی دلیل می باشد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، *النهائیه فی غریب الحدیث*، تحقیق: طاهر احمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، تحقیق: سید هاشم حسینی طهرانی، قم، جماعه مدرسین، چاپ ۱۳۷۸ق.
۴. همو، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جماعه مدرسین حوزه علمیه، بی جا، بی تا.
۵. ابن حنبل، احمد، *مسند*، بیروت، چاپ و انتشارات دار صادر، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، ابو الفضل، *لسان العرب*، محقق: احمد فارس، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. ابن یسار مطلبی، محمد بن اسحاق، *سیره ابن هشام*، تحقیق: عبد الحمید، مصر، کتابخانه محمد علی صبیح و فرزندان، ۱۳۸۳ق.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدۀ و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*، تحقیق: اشتهاودی و عراقی و یزدی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۹. اصفهانی، محمد حسین کمپانی، *صلاه المسافر*، تحقیق: لجنة التحقیق، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۰. انصاری، مرتضی، *کتاب الزکاء*، تحقیق: لجنة التحقیق، چاپ اول، قم، انتشارات باقری، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بجنوردی، سید محمد حسین، *القواعد الفقهیة*، چاپ اول، قم، نشر هادی، انتشارات هادی، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، انتشارات دارالفکر، تحقیق عبد الوهاب عبد الطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، چاپ: دوم، انتشارات مهر، قم، مؤسسه آل البيت (ع) احیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.

۱۴. حلی، ابن ادريس محمد بن منصور، السرائر، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۱۵. حلی، علامه حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، چاپ اول، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۶. همو، قواعد الاحکام، تحقیق: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۷. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، المعبر، تحقیق: لجنة التحقيق، مؤسسه سيد الشهداء(ع)، انتشارات مدرسه امام امير المؤمنين(ع)، ۱۳۶۴ش.
۱۸. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام، فقه شيعه تا قرن هشتم، تحقیق: سيد صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال، انتشارات امیر، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، مختصر النافع فی الفقه الإمامیه، قاهره، دار التقريب، طهران، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۰ق.
۲۰. طباطبایی حکیم، سيد محسن، مستمسک العروة الوثقی، چاپ چهارم، قم، مکتب سيد مرعشی، نجف، انتشارات آداب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. طباطبایی، سيد علی، رياض المسائل، چاپ سنگی، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، قم، انتشارات شهيد، ۱۴۰۴ق.
۲۲. طباطبایی، سيد محمد حسين، سنن النبي، تحقیق و الحاق، محمد هادی فقهی، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۲۳. طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، تحقیق: ابراهيم حسینی، قاهره، دار الحرمين، ۱۴۱۵ق.
۲۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۲۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار، چاپ چهارم، قم، دار الکتب الإسلامية، انتشارات خورشید، ۱۳۶۳ش.
۲۶. همو، التهذيب الأحكام، تحقیق: حسن خراسان، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، انتشارات خورشیدی، ۱۳۶۵ش.
۲۷. همو، النهاية، بيروت، دار الاندلس، قم، افست منشورات قدس، بی تا.
۲۸. همو، الرسائل العشر، تحقیق: واعظ زاده خراسانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۹. عاملی شهید اول، محمد بن مکی، الذکری الشيعه، چاپ سنگی به خط کرمانی ۱۲۷۲ش.
۳۰. همو، اللمعه دمشقیه، تحقیق: علی کورانی، چاپ اول، دارالفکر، چاپخانه قدس، ۱۴۱۱ق.
۳۱. عاملی کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، قم، انتشارات مهديه، ۱۴۰۸ق.

۳۲. عبد العزيز بن عبد الرحمن بن علي الربيعه، صور من سماحه الاسلام، جامعه امام محمد بن سعود اسلامي، رياض، ۱۴۶۰ق.
۳۳. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكي، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، چاپ اول، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ج ۳، ۳۰۹.
۳۴. كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق، علي اكبر غفاري، چاپ سوم، دارالكتب الإسلامية - آخوندي، انتشارات حيدري، ۱۳۸۸ش.
۳۵. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۳ه. ق.
۳۶. مطهري، مرتضي، سيري در سيره نبوي، چاپ سي و چهارم، تهران، انتشارات صدرا، بي تا.
۳۷. موسوي خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيله، قم، كتابخانه علميه، اسماعيليان، بي تا.
۳۸. موسوي خويي، سيد ابو القاسم، كتاب زكات، چاپ اول، قم، لطفی، انتشارات علميه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، تحقيق: شيخ عباس قوچانی، چاپ سوم، دارالكتب الإسلامية آخوندي، انتشارات خورشيد، ۱۳۶۷ش.
۴۰. نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، تحقيق: مؤسسه آل البيت (ع) لاحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۴۱. نيشابوري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت، انتشارات دارالفكر، بي تا.